



فلسفه سیاسی شیعه؛ راهی برای بیان عمومی مهدویت

مهدویت یکی از اصلی‌ترین باورهای شیعه است و جایگاهی مهم در انسجام اندیشه و عمل شیعیان دارد از این رو یافتن زبان مشترک میان فلسفه سیاسی و مهدویت می‌تواند راهی درون‌دینی برای بیان اصل باشد.

مهدویت یکی از اصلی‌ترین باورهای شیعه است و جایگاهی مهم در انسجام اندیشه و عمل شیعیان دارد از این رو یافتن زبان مشترک میان فلسفه سیاسی و مهدویت می‌تواند راهی درون‌دینی برای بیان اصل باشد.

معارف دینی بیانی درون‌دینی و برون دینی دارند، این وجه بیان متناسب با مخاطبان فهم دینی است. برای مثال بیان توحید برای یک دین‌دار با استفاده از آیات قرآن و احادیث پیامبر(ص) و معصومین(ع) شکل می‌گیرد. اما برای بیان این اصل برای یک غیر مومن باید از بیانی فلسفی و علمی استفاده کرد. سنخ براهین اثبات وجود خدا این‌گونه است. یک مومن اعتقادات اولیه‌ای را دارد، برای مثلا او اصول دین را پذیرفته و در حال عمل به دین است. آنچه یک دین‌دار را قانع می‌کند، متونی است که به آن اعتقاد دارد، برای او نقل و قول معصومین(ع) حجت است. توسعه معارف درون دینی با توجه به متون اصلی صورت می‌گیرد. این باورها شکی در خود ندارند و اگر داشته باشند در خصوص سندیت حدیث است. یک غیرمومن متن دینی را چون متن دینی است نمی‌پذیرد به این معنا که برای وی یک اعتقاد باید معقولیت داشته باشد و با ابزارهایی که می‌پذیرد بیان شود.

سنخ برون دینی فلسفه سیاسی

فلسفه سیاسی تامل فلسفی در خصوص دولت و قدرت سیاسی است. در فلسفه سیاسی موضوعات حوزه سیاسی در تاملی نظری جایگاهی خاصی می‌یابند. فلسفه سیاسی شاخه‌ای از فلسفه است که ابزاری غیر دینی است، نمی‌توان انتظار داشت وقتی دو نفر بحثی فلسفی می‌کنند یکی از دو طرف قواعد و هنجارهایی غیر فلسفی را به عنوان منبع اثبات به کار گیرد. لئو اشتراوس معتقد است که امور سیاسی به دلیل طبیعت‌شان موضوعیت دارند، و از این رو تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا مذمت می‌شوند. آنها به دلیل طبیعت‌شان خنثی نیستند، بلکه سر منشاء ادعاهایی هستند که بنی آدم نسبت به اموری چون اطاعت، وفا داری، تصمیم یا قضاوت ابراز می‌کنند. اگر انسان دعوت صریح یا ضمنی آنها را برای مورد قضاوت قرار گرفتن از جهت خوبی یا بدی، جدی تلقی نکند، یعنی، اگر انسان آنها را با سنجه‌ای از خوبی و بدی محک نزند، آنها را به مثابه آنچه هستند، یعنی به مثابه امور سیاسی، درک نمی‌کند. انسان برای قضاوت صحیح، باید معیارهای حقیقی را بداند. اگر فلسفه سیاسی مایل است حق مطلب را نسبت به موضوع خود ادا کند، باید برای دست یافتن به معرفت اصیل نسبت به این سنجه‌ها بکوشد. فلسفه سیاسی می‌کوشد تا حقیقتا طبیعت امور سیاسی و نظم سیاسی خوب و درست هر دو را بداند.

آرمان سیاست شیعی

شیعه مشروعیت و حقانیت دولت را تنها در نزد امام معصوم(ع) می‌داند به این معنا که یک شیعه معتقد است حکومت باید توسط خلیفه منصوب پیامبر(ع) که یکی از ائمه زمان است تبلور یابد. از سویی دیگر در دوران غیبت شیعیان معتقد به ظهور امام زمان(عج) هستند که حکومت حقیقی را تشکیل دهد.

آرمان سیاست شیعی مبتنی بر آیات قرآن و احادیث شیعی است که در این خصوص وجود دارد، از این رو آرمان سیاست شیعی مطلبی درون دینی است به این معنا که این آرمان برای یک شیعه معنادار و حجت است. هرچند دانشمندان شیعی می‌توانند تقریرهای متفاوتی از این آرمان داشته باشند اما این به معنای نفی وجود چنین آرمانی نیست.

آرمان سیاست شیعی، آرمانی اسلامی است. شیعه معتقد است که امت اسلامی با قرآن و عترت رستگار می‌شوند، از این رو باور سیاست شیعی باوری اسلامی است و در ادبیات درون دینی‌اش تنها آرمان سیاست اسلامی است. تحقق عدالت یکی از اهداف تشکیل حکومت مهدوی و شیعی بیان شده است.

از سویی دیگر آرمان سیاست شیعی در تاریخ اسلام نوعی آرمان انتقادی است، زیرا این آرمان در اعتراض به روند جاری خلافت شکل گرفته است. آرمان سیاست شیعه مخالف حکومتی است که به امام متصل نباشد. این آرمان تنها در زمان خلافت امام علی(ع) تحقق داشت اما واقعیت همواره برخلاف چنین آرمانی بوده است، اما هم در زمان حیات و حضور امامان به غیر از امیرالمومنین و هم در زمان غیبت هر حکومتی که مورد تأیید امام نباشد غیر دینی است. این آرمان طبق اندیشه سیاسی شیعه وقتی تحقق می‌یابد که امام زمان(عج) ظهور یافته و حکومت مشروع و آرمانی شیعه تحقق یابد.

فلسفه سیاسی شیعه و مهدویت

فلسفه سیاسی شیعه معرفتی برون‌دینی است به این معنا که این فلسفه بر اساس استدلال و عقل است اما مقتضیات آرمان سیاست شیعی را تأمین می‌کند.

فلسفه سیاسی چنانچه آمد تامل در خصوص دولت و قدرت است، از سوی دیگر شیعیان دارای آرمان‌های سیاسی هستند، مساله اینجاست که فلسفه سیاسی متناسب با آرمان سیاسی شیعه چیست؟ آرمان سیاست شیعی چنانچه آمد مبتنی بر نظر آن در خصوص شخص حاکم است. به صورت انتزاعی این که چه کسی باید حکومت کند، حکومت چگونه شود و او باید چگونه انتخاب شود دغدغه‌ای است که باید یک فیلسوف سیاسی شیعه به طوری پاسخ دهد که با آرمان سیاست شیعی سازگار باشد. فلسفه سیاست شیعه می‌تواند به کسانی که اعتقادی به دین اسلام و یا مذهبی شیعه اثنی‌عضری ندارند مبانی توضیح و توجیه مهدویت را فراهم کند. با تدوین و تعیین فلسفه شیعه همچنین می‌توان به نقد اندیشه‌های سیاسی غیرشیعی و سکولار پرداخت.